

عنوان مقاله:

داستان «موسی و شبان» نمونه ای عینی از تحقق امتزاج افق ها در تلقی گادامری

محل انتشار:

فصلنامه نقد ادبی، دوره 11، شماره 42 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

فرزاد بالو - دانشگاه مازندران

سیاوش حق جو - دانشگاه مازندران

خلاصه مقاله:

گادامر، بنیاد فهم را امتزاج افق مفسر و افق متن می‌داند و بر این اساس، به تبیین واقعه فهم و چگونگی آمیزش افق‌ها می‌پردازد. طرفه اینکه تحقق چنین مفهومی را به‌طور عینی و مصداقی در داستان «موسی و شبان» در مثنوی شاهد هستیم. مولانا که کانون فهم خود را از خدا، آمیزش افق اهل تشبیه و اهل تنزیه قرار می‌دهد، برای تعلیم و عینیت‌بخشی به چنین تلقی و تفسیری، داستان «موسی و شبان» را می‌آفریند. در این داستان، موسی و شبان به مثابه مفسری، تلقی خاصی از خدا دارند که متأثر از کتاب و سنت و با توجه به موقعیت هرمنوتیکی آن هاست؛ چنان‌که در آغاز داستان، خداشناسی موسی در قالب اهل شریعت و تنزیه ظاهر می‌شود و در مقابل، تجربه و درک شبان از خدا متناسب با تلقی اهل تشبیه آشکار می‌گردد. این چنین در آغاز داستان، موسی و شبان هریک در افق خود محصورند. اما در ادامه از طرفی مواجهه مواخذه‌گرایانه موسی با شبان و از سوی دیگر عتاب خداوند با موسی، هم شبان و هم موسی را در موقعیت هرمنوتیکی تازه‌ای قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که هر دو در نهایت جمع دو افق تشبیه و تنزیه را به حقیقت نزدیک‌تر می‌یابند.

کلمات کلیدی:

مولوی، گادامر، مثنوی مولوی، موسی، شبان، آمیزش افق ها

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1836105>

